

بسم الله الرحمن الرحيم

جلاد نمی‌تواند قاضی باشد!

(ترجمه)

هر بار که خشم مردم عراق از فساد فرساینده‌ای که دولت را از پا انداخته و ملت را فقیر ساخته است، شدت می‌گیرد، کسانی پیدا می‌شوند که این تصور را ترویج می‌کنند که گویا امریکا این‌بار برای مبارزه با مفسدان و بازگرداندن دارایی‌های مردم عراق آمده است؛ گویی همان قدرتی که بیش از دو دهه در شکل‌دهی صحنه سیاسی عراق حضور مستقیم داشته، ناگهان به پاسدار پاک‌دستی و پرچمدار اصلاحات تبدیل شده است. مشکل عراق تنها وجود گروهی از مفسدان نیست که بتوان با قربانی‌کردن شماری از آنان، خشم مردم را فرو نشاند؛ بلکه مشکل اصلی، یک نظام سیاسی کامل است که بستر فساد را پدید آورده، سهمیه بندی سیاسی و فرقه‌ای را نهادینه ساخته و نهادهای دولت را به میدان تقسیم نفوذ و غنایم تبدیل کرده است.

تا زمانی که ریشه بیماری پا برجاست، پیگرد چند فرد به معنای از میان رفتن آن نیست؛ بلکه تنها تلاشی است برای القای این تصور به مردم که روند درمان آغاز شده است؛ در حالی که علت اصلی بیماری همچنان دست نخورده باقی مانده است. هر سخنی درباره مبارزه با فساد، زمانی اعتبار خود را از دست می‌دهد که از اصلاح نظامی آغاز نشود که خود، فساد را پدید آورده است. فساد یک رویداد گذرا نیست، بلکه پیامد طبیعی نظامی سیاسی است که در آن معیارهای مسئولیت‌پذیری و حساب‌دهی مختل شده و وفاداری سیاسی بر امانت‌داری و رسیدگی به امور مردم مقدم گردیده است. این که امریکا به عنوان نجات‌دهنده‌ای تصور شود که گویا فساد را از ریشه بر می‌کند، برای بسیاری از عراقی‌ها پرسش‌های مشروعی بر می‌انگیزد. منتقدان این دیدگاه بر این باورند که سیاست‌هایی که پس از سال ۲۰۰۳ از نظام سیاسی عراق حمایت کردند، در تثبیت وضعیتی سهم داشتند که بحران‌های انباشته کنونی را پدید آورد؛ از همین‌رو، پرداختن به پیامدها بدون برطرف‌ساختن علت‌ها، اصلاح واقعی به شمار نمی‌رود.

جلاد نمی‌تواند قاضی باشد و کسی که خود بخشی از روند ایجاد بحران بوده است، نمی‌تواند مردم را قانع سازد که امروز رامحل همان بحران را در دست دارد. تغییر دادن چند چهره یا سپردن شماری از شخصیت‌ها به روند حساب‌دهی، حقیقت را تغییر نخواهد داد؛ زیرا همان نظام همچنان پا برجاست، همان بحران‌ها را باز تولید می‌کند و فساد را با نام‌ها و چهره‌های تازه دوباره به گردش می‌اندازد. زمان آن فرا رسیده که مردم عراق دریابند اصلاح واقعی نه از کارزارهای رسانه‌ای آغاز می‌شود و نه از شعارهای فریبنده؛ بلکه از یک دگرگونی بنیادین شروع می‌گردد که دولت را بر پایه عدالت و پاسداری از حقوق مردم از نو بنا کند، نه بر اساس تقسیم نفوذ و منافع.

در میان این کارزارهای رسانه‌ای و شعارهای پر طمطراق، وظیفه مردم عراق آن است که فریب وعده‌هایی را نخورند که هر بار با شدت‌گرفتن بحران‌ها مطرح می‌شوند؛ زیرا یک کشور با بازتولید همان سیاست‌هایی ساخته نمی‌شود که پیش‌تر ناتوانی خود را در برقراری عدالت و پاسداری از حقوق مردم ثابت کرده‌اند. عراق شایسته آن است که خود، صاحب اختیار و تصمیم‌خویش باشد؛ از همه گونه‌های وابستگی و دیکته‌های بیرونی آزاد گردد و آینده‌اش را با اراده فرزندان خود رقم بزند. این هدف تنها زمانی تحقق می‌یابد که مردم عراق در یابند نهضت ملت‌ها با رهایی از هر قیدی آغاز می‌شود که اراده آنان را سلب می‌کند و با تلاش جدی برای برپایی نظامی ادامه می‌یابد که باز تاب دهنده عقیده و ارزش‌هایشان باشد و از حاکمیت آنان پاسداری کند.

از همین دیدگاه می‌گوییم که اسلام تنها مجموعه‌ای از شعارهای نیست که انجام داده شوند؛ بلکه یک طرح تمدنی و نهضت‌آفرین، روشی برای حکومت‌داری و برپایی عدالت، پاسدار کرامت انسان و تضمین‌کننده حقوق اوست. بازگشت به اصول اسلام در اداره امور دولت و جامعه، راه بازیابی عزت، وحدت و عدالت است. پس ارادتمان را از همه فشارهای بیرونی نیرومندتر سازید و هرگونه وابستگی را رد کنید؛ زیرا ملت‌ها تنها زمانی جایگاه خویش را باز می‌یابند که صاحب طرحی مستقل باشند؛ طرحی که از هویت و ارزش‌های خودشان سرچشمه گرفته باشد.

اینک حزب التحریر، آن حزب پیشگامی که هرگز به مردم خود دروغ نمی‌گوید، شما را به سوی کشتی نجات فرا می‌خواند و به عزت دنیا و نعمت آخرت دعوت می‌کند؛ پس برای بازپس‌گیری عزت و کرامت خویش به پا خیزید!

نویسنده: مؤنس حمید

مترجم: پارسا امیدی